

دلیل

۷ نگاه درباره سینمای سیاسی

آینه‌ای که در دست مسوولان است

■ رئیس سازمان سینمایی، یعنی معاون سینمایی کنونی و مشاور هنری سابق ریاست‌جمهوری یک سخن مشهور دارد: «عضو کردن ریل سینمای ایران» این اتفاق افتاده است، می‌افتد، خواهد افتاد، آیا کسی پرچمدار این مسیر هست؟ چه کسی باید سرانجام اطلاع دهد و ببیند این اتفاق افتاده یا خواهد افتاد. هیچ کدام سوال‌هایی نیست که به نظر برسد کسی خواهان پاسخگویی آنها باشد. به گفته جواد شمقدری در این دوره جشنواره ۹ فیلم متعلق به ژانر سیاسی نمایش داده می‌شود. دیدن فیلم‌هایی که هر کدام سعی کرده‌اند با قراردادن مردانی که زمانی پوزنر در صورت زنان می‌کردند، اکنون چاق شده‌اند و ته ریش‌شان باقی مانده و از عقاید تند و تیزشان چیزی اندک ته ذهن‌شان مانده است. همه این افراد که زمانی الگو بوده‌اند و رشادتها کرده‌اند در این سال‌ها به جاه و جلالی رسیده‌اند و معتقدند که زمانه عوض شده‌است. آنان با ن مایه مالی فراوان و آشناهای پر قدرت می‌توانند هر کاری را انجام دهند. از زندان کسی را آزاد کنند، یا کسی را به قتل برسانند. می‌توانند تمام سدها را پشت سر بگذارند. می‌توانند داعیه‌دار تاریخ باشند یا می‌توانند همگان را به سخره بگیرند. سینمای ایران روزهای پرشکوهِی را هم پشت سر گذاشته است؛ روزهایی که شوکاران فیلم پر فروش سال بود، می‌شد پارتی را ساخت، به یاد آن سال‌ها سوال‌هایی را مطرح کرده‌ایم از اهالی سینما، منتقدان و…

مرور

کمی از گذشته تا امروز

■ سینماگران در تمام طول این سال‌ها بر چند نکته تاکید داشتند: سینما برتر از سیاست است، سینما با بیانیه سیاسی فرق دارد، سینما حتی اگر بخواید به عنوان ابزار سیاسی به کار برود، ۱۸ ماه طول می‌کشد. حالا در این روزها که بحث سینمای سیاسی و فیلم‌های سیاسی در جشنواره سی‌ام مطرح شده است، پرداختن به این موضوع از منطری دیگر امکان‌پذیر شده است. هنگامی که به گذشته برمی‌گردیم یک نکته از انتخابات ۸۸ به بعد بیش از هر چیزی خود را نشان می‌دهد، ساخت فیلم‌های سیاسی یکی از شعارهای شمقدری است و حتی در مراسم تودیع و معارفه یکی از مدیریت‌های سینمایی گفت: «بیار داریم به این ژانر دست پیدا کنیم؛البته نباید در این عرصه دچار التهابات جناحی شویم و باید با رویکرد آنبشخور فرهنگی ساخت فیلم‌های موثر سیاسی در دستور کار قرار گیرد.» و پس از آن سیدعلیرضا سجادیپور، مدیر کل اداره نظارت و ارزشیابی وزارت ارشاد مزده داد که برای تولید فیلم سیاسی آسان گیری و سهل‌گیری کرد تا سلیقه‌ها و ذایقه‌های مختلف بتوانند انتقادهایشان را مطرح کنند تا جایی که به منافع ملی ضربه‌ای وارد نشود. اینچنین شد که فیلم «به رنگ ارغوان» اکران شد هرچند «صد سال به این سال‌ها» به اکران جشنواره‌ای محدود شد. سال ۸۹ هم در جشنواره فیلم‌های «گزارش یک جشن» (ابراهیم حاتمی کیا)، «پایان‌نامه» (حامد کلاه‌داری)، «خراجی‌های ۳» (مسعود ده‌منکی) و «خیابان‌های آرام» (کمال تبریزی) روی پرده رفتند. هر کدام از فیلم‌ها هم بنا بر موضوعش با واکنش‌هایی روبه‌رو شد. «پایان‌نامه» هو شد هم در جشنواره و هم در اکران و هیچ استقبالی از آن نشد و حتی پراپردهای جاذبه‌ای هم دردی را دوا نکرد. اخراجی‌های ۳ که درباره انتخابات بود با تحریم بخشی از جامعه روبه‌رو شد. حاتمی کیا هنگامی که با تاویل‌های متفاوت روبه‌رو شد، درباره «گزارش یک جشن» قسم خورد: «والله از درون نظام حرف می‌زنم و اینجوسیدون نیستیم» اما هنوز هم نتوانسته است اکران شود. حامد کلاه‌داری با توجه به داشتن نسبت‌های فلیلی با مسوولان فیلم پایان‌نامه را ساخته است که نتوانسته همه را بر یک نکته متحد کند هرچند در نشست‌های مختلف فیلمش به صراحت اعلام کرد: «به نکتک کلان‌های فیلم معتقدیم» و از نظر او فیلم‌هایی که درسال ۹۰ ساخته است، ضعیف هستند. اما عدم اکران فیلم «خیابان‌های آرام» همچنان افسوس‌ی است که ادامه دارد. فیلمی که قرار بود بدون تبلیغات اکران شود اما همان هم این اتفاق شد و باید منتظر ماند که آیا بعد از عید این فیلم می‌افتد یا نه؟ کمال تبریزی کارگردان فیلم معتقد است: «من فیلمسازي هستم که همیشه متاثر از شرایط جامعه کار می‌کنم و همراه با مردم جامعه حرکت می‌کنم.» فارس خیر داده است در طول سال گذشته فیلم‌های مستندی همچون «زندان تفنگ ندارد» (حسین شمقدری)، «زور حقیقت» (قلاسم بخشنی)، «دختر لر» و «ایران سبز» (محمدرضا دهنشیری، «قلب واقعی» (نادر طالب‌زاده) و «خواب آشفته» (سپهیل کریمی) درباره مسایل مربوط به انتخابات سال ۸۸ ساخته شده اما بازتاب خبری گسترده‌ای نداشته است. امسال فیلم‌های «هرمانه تهران»، «خودزنی» و «فصول۱ و… از جمله آثارى بود که درباره انتخابات سال ۸۸ و مرگ ندا آقاسلطان بود و این نکته افسوس‌برانگیزی است که در طول این آثار سیاسی روزنامه‌نگاران قادر به انجام هر کار نادرستی هستند مانند آدمکشی و زدنی و از دیوار بالا رفتن و دروغ.

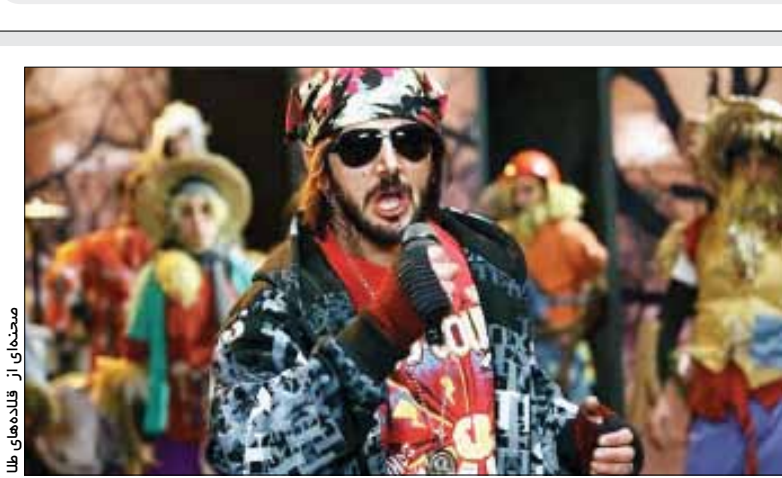
آنتونیا شرکا

جواد شمقدری، معاون امور سینمایی وزارت ارشاد، در یکی از روزهای جشنواره، ژانر سیاسی را یکی از ژانرهایِ دانسته که سال‌هاست در سینمای ایران مهجور مانده است؛ ژانری که امسال بیشتر مورد توجه قرار گرفته و سینماگران همچنان درباره آن، در حال آزمون و خطا هستند. او در ادامه صحبت‌هایش پس از اشاره به اینکه در جشنواره امسال، ۹ فیلم در ژانر سیاسی وجود داشته، در ذکر مشکلات بر سر راه ساخت این فیلم‌ها گفت: «مناسفانه در این راه تنش‌هایی وجود داشت و برخی می‌خواستند آثاری را منتسب به برخی از جریان‌ها و جناح‌های سیاسی کنند، اما فیلمساز و هنرمند جایگاهش فراتر از آن است که در قالب سیاسی قرار گیرد. هنرمند توانایی آن را دارد که بر سیاست تأثیر بگذارد» (نشریه روزانه سیمِرخ، شماره سوم، ۱۴ بهمن ۹۰، ۴). در این سخ معاون سینمایی حقایقی نهفته است که پیام سخن را شبهه‌انگیز می‌کند: نخست آنکه اگر ژانر سیاسی – در صورتی که به «ژانر» بودن سینمای سیاسی قابل بشیم و نخواهیم مانند سینمای اجتماعی وارد این بحث شویم که سیاسی بودن یک ویژگی محتوایی و بپامی است که ربطی به فرم و ساختار ندارد بنابراین یک ژانر نمی‌شود – در سینمای این سال‌ها مهجور مانده، علت را کجا باید جست؟ آیا غیر از آن است که ما در مملکتی زندگی می‌کنیم که پرداختن به هر موضوعی می‌تواند معنا و رنگ و بوی سیاسی به خود بگیرد بنابراین زیر ذربین می‌زی برود؟ مثلاً به فیلمی مثل بانو (داریوش

مهرجویی) فکر کنید که تماشای مستند زیبا و نشاط‌آور داریوش مهرجویی: کارنامه ۴۰ساله (مانی حقیقی) در جشنواره امسال فیسر ما را بار دیگر یاد مظلومیتش انداخت وقتی که به دلیل تفسیر خاص مسوولان وقت ارشاد سال‌ها رنگ پرده را ندید و سرانجام زمانی به نمایش درآمد که دیگر دیر بود و احیاناً بخشی از مخاطبان خود را از دست داده بود.
دلیلی که فخرالدین انوار، معاون وقت سینمایی، در توجیه این توقیف بی‌محل (در همان مستند حقیقی) می‌آورد این است که جو سیاسی حاکم چنین تصمیمی را ایجاب می‌کرده است (نقل به مضمون)، واقعیت این است که چهره منفی‌ای که از طبقه مستضعف و فرودست در فیلم تصویر می‌شود ظاهراً به مذاق مسوولان خوش نیامده بوده است. اما ما در اینجا همان پرسشی را مطرح می‌کنیم که مهرجویی در مستند حقیقی عنوان می‌کند: مگر وقتی سرانجام فیلم پس از چند سال از ساختش اکران گرفت، چه اتفاقی افتاد که اگر در زمان خود اکران می‌شد، می‌توانست مشکل آفرین شود؟ یا به‌این‌ک اگر مثلاً سنتوری (داریوش مهرجویی) اکران بگیرد، چه اتفاقی می‌افتد؟ نمی‌دانم اتفاقاتی از این دست در این سال‌ها برای فیلم‌های بسیاری افتاده و با این وضع حقیقتاً تشخص فیلم سیاسی از غیرسیاسی دشوار می‌شود چراکه برخی فیلم‌ها سیاسی نبوده‌اند اما همین که توقیف یا سانسور شده‌اند، بعد سینما پيدا کرده‌اند.
خب، در زمانی که هنرمند «فرآجگاه» ما فیلم سیاسی نمی‌سازد و بسته به مدبری که بر سر کار است – مدبری که طبق جناح سیاسی دولت وقت خود انتخاب شده – فیلمش مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد، دیگر هر چند به اینکه فیلم سیاسی بسازد و احیاناً نمایش فیلمش با تغییر مدبری مصادف شود که سیاست‌های متفاوتی را دنبال

می‌کند… در اینجا به حقیقت پارادوکس‌وار دوم سخن معاون سینمایی‌مان می‌رسیم؛ آنجا که می‌گوید: «هنرمند توانایی آن را دارد که بر سیاست تأثیر بگذارد.» جالب است! تاکنون این سیاست بوده که توانایی تأثیر گذاشتن نه تنها بر هنرمند بلکه بر کار و زندگی و اصولاً هویت او را داشته است چرا که می‌تواند با به محاق گذاشتن یک فیلم، دودمان فیلمساز و تهیه‌کننده و عوامل فیلم را به باد دهد. اینک کنجکاو هستیم که بدانیم مثلاً همین ۹ فیلم سیاسی امسال جشنواره – که شخصاً نمی‌دانم دقیقاً کدام‌ها هستند و براساس چه معیاری انتخاب شده‌اند – چگونه در صحنه سیاست ما اثر گذار خواهند بود؟! حقیقت تناقض‌آمیز سوسمی که در سخن شمقدری نهفته – بخوانید آشکار- است، آنجاست که صحبت از «رخی»‌هایی می‌کند که «می‌خواستند آثاری را منتسب به برخی از جریان‌ها و جناح‌های سیاسی کنند» به گمانم نیازی به خواسته آن برخی نبوده؛ شما فیلمی مثل زندگی خصوصی (محمدحسین فرحبخش) را در جشنواره امسال بگیرید. قهرمان فیلم (با بازی فرهاد اصلانی) سردبیر یک روزنامه اصلاح‌طلب است و این گرایش سیاسی او را ما فقط از خلال دیالوگ‌ها متوجه نمی‌شویم بلکه از تمامی صحنه‌هایی می‌فهمیم که او را در مقابل هم‌سنگران قدیمی‌اش می‌بینیم. آنجا که او ی نوعی را به دلیل دور شدن از اخلاقیات محکوم می‌کنند، یا آنکه حتی از زندگی خصوصی‌اش خبر داشته باشند.
خب، این آقای روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب که در پایان فیلم از ترس رسوایی اخلاقی و بی‌ابرویی دست به جانیی بیرحمانه می‌زند، انتساب فیلم به جناح و جریان سیاسی خلاف اصلاح‌طلبان را به کون‌ترین تماشاکار هم نشان می‌دهد. همین‌طور است فیلم‌هایی مانند قلاذه‌های طلا (ابوالقاسم طالبی) و گشت ارشاد

مانند مشت‌ها بر شهر مارکو بلوکیو یا آخرین فیلمش پرنده که در سال ۲۰۰۸ اولین نمایش‌اش در جشنواره ونیز بود یک فیلم سیاسی در ارتباط با فاشیتست بود. یک فیلم بسیار زیبا و قدرتمند بود و اصولاً اکثر فیلم‌های بلوکیو را می‌توان جزو فیلم‌های سیاسی دانست.برخی از فیلمسازان هستند که در کارنامه سینمایی‌شان فقط یکی، دو فیلم سیاسی وجود دارد؛ مانند الیا کاران در فیلم‌های «در بارانداز» یا «زندگی‌ها زیاتا» یا مثلاً الیور استون در فیلم‌هایی مانند «سالوادور» (۱۹۸۹)، «متولد چهارم ژوئیه» و… از فیلمسازان دیگر می‌توان به فیلمسازان شیلیایی و آمریکای جنوبی و نیز سینماگران آمریکای جنوبی در دهه ۷۰ اشاره کرد که حضور فعالی در دنیا ای سینما داشتند. ما در ایران هیچ‌وقت شرایط به وجود آمدن فیلم‌هایی با گرایش به سینمای سیاسی نداشته‌ایم. علت آن را هم نبود شرایط ساخت چنین فیلم‌هایی باید دانست.



محتمای از قلاذه‌های طلا

سیاسی را داراست. این عجیب است که ما جامعه‌ای به این حد سیاسی داشته باشیم و شرایط و اتفاقاتی با این اهمیت بیفتد اما ردی از این حوادث در سینما پیدا نکنیم. ما در نیمه دوم سال ۸۸ سعی کردیم این اتفاق را رقم بزنیم. البته اینجا سوال پیش می‌آید که از چه فیلم سیاسی حمایت می‌کنید و به آن مجوز می‌دهید. باید بگویم هیچ نگاه سلیقه‌ای باندی و گروهی در این زمینه وجود نداشته. تنها مالک ما حفظ منافع ملی و رعایت ارکان نظام است. فکر نمی‌کنم کسی بخواهد فیلم سیاسی بسازد و بگوید قصدم این است که ارکان نظام را در این فیلم زیر سوال ببرم. به طور طبیعی ما مشوق و حامی فیلم سیاسی هستیم.

■ جشنواره امسال چقدر به خواسته‌هایتان نزدیک است؟

پس از رونق خیلی خوب جشنواره سال گذشته حدس می‌زدم که امسال خود به خود جشنواره دچار کمی افتا شود. اما این‌طور نبود و امسال هم با فیلم‌های بسیار زیادی روبه‌رو هستیم و جشنواره از کیفیت بسیار بالایی برخوردار است و از هر ژانری در این سینما دیده می‌شود.

■ کدام یک از فیلم‌های جهان را به‌عنوان فیلم سیاسی قبول دارید؟
این سوال شما یک بحث آکادمیک را می‌طلبد. بعضی‌ها می‌گویند این فیلم‌ها اجتماعی هستند یا پس‌زمینه‌های سیاسی. من نمی‌خواهم وارد مناقشات آکادمیک شوم اما آنچه در فرهنگ عمومی فیلم سیاسی تعریف می‌شود برخی از آثار فرانچسکو روتی و در عین حال سه‌گانه‌های گواراس نمونه‌های روشنی از سینمای سیاسی محسوب ششوند. این ژانر در کشور ما با وجود علاقه‌مندان بسیار زیادی که دارد، نایاب شده بود. اما در دو سال گذشته این آثار به عدد دورقمی نزدیک شده و این‌ن نوع گفت‌وگو راه خودشان را پیدا کرده و چون اغلب این آثار در بخش مسابقه هستند و نمی‌توان اسم‌شان را آورد از ذکر اسمی خودداری می‌کنم. فقط فیلم «قلاذه‌های طلا» را نام می‌برم که چون در بخش مسابقه سینمای ایران نیست می‌توان اسمش را برد. این فیلم یک فیلم کلاما سیاسی است که تمام تعاریف ژانر

سینمای ایران

تشنه فیلم‌های سیاسی

زاون فوکاسیان

اگر بخواهیم تعریف خاصی از سینمای سیاسی ارایه کنیم این سینما، سینمای ایدئولوژیک نیست بلکه سینمای سیاسی شرایطی که برآمده از شرایط سیاسی است را مطرح می‌کند مانند بعضی از فیلم‌های روسه‌لینی مثل آلمان سال صفر یا رم شهر بی‌دفاع که با سینمای ایدئولوژیک کلاماً متفاوت است. مثلاً سینمای گوستاو گوارلس سینمای سیاسی است.مثلاً قبل از انقلاب واقعا تشنه دیدن فیلم‌هایی مانند (Z)، «حکومت

گفت‌وگو با علیرضا سجادیپور:

فیلم سیاسی نباید با ارکان نظام منافات داشته باشد

علیرضا سجادیپور معاونت اداره ارزشیابی سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معتقد است مسوولان ارشاد از هر گونه فیلم سیاسی حمایت و شرایط اکران آن را آماده می‌کنند. سجادیپور در میان صحبت‌هایش با اشاره به رفع توقیف فیلم «به رنگ ارغوان» در زمان تصدی مسوولان جدید تاکید کرد که حمایت مسوولان تنها به یک جنبه خاص فکری و سیاسی بازنمی‌گردد و هر فیلم سیاسی که منافاتی با اصول نظام نداشته باشد قابل نمایش است. این در حالی است که درست یک‌سال پس از رفع توقیف «به رنگ ارغوان» فیلم جدید حاتمی‌کیا یعنی «گزارش یک جشن» توقیف شد و همچنان در محاق توقیف به سر می‌برد. یکی از دلایل اصلی توقیف گزارش یک جشن رنگ و بوی سیاسی نیست است که اتفاقا منافاتی هم با اصول نظام ندارد و شاید نفوذ سلابق شخصی باعث عدم رفع توقیف این فیلم پس از گذشت یک سال شده باشد.

-
-
-

■ تعریف شما از سینمای سیاسی چیست؟
در این مورد یک بحث آکادمیک وجود دارد که آیا اصلا ژانری به‌عنوان سینمای سیاسی هست یا خیر. اسما من می‌خواهم بگویم ما تصوری از برخی آثار داریم که به شدت مفهوم سیاسی دارند یا مضمون سیاسی دارند با ظاهر ملودرام یا خاکستری. ما طبعاً این موارد را در دست‌بندی سینمای سیاسی قرار می‌دهیم و اجازه بدهید که به این تعریف قبول کنیم که ما سینمای سیاسی هم داریم. برخی با نگاه آکادمیک می‌گویند این ژانر اثبات نشده است؛ من می‌خواهم بگویم باید عملیاتی نگاه کرد و با این نگاه به آثار سیاسی هم در کارنامه سینمای توان رسید.

■ آیا در این دوره فیلم سیاسی داریم؟

بله. ژانر سیاسی یکی از کمبودهایی بود که وقتی در نیمه دوم سال ۱۳۸۸ مسوولیت سینمایی کشور را برعهده گرفتیم، متوجه آن شدیم. این ماجرا به گونه‌ای شده بود که برخی از فیلم‌های به اصطلاح جشنواره‌ای و بیگانه‌پسند با ظاهر سیاسی علیه فرهنگ و آداب و هویت ایرانی، تنها گونه‌ای بودند که به صورت سینمای سیاسی عمل می‌کردند و اصلا ساخته می‌شدند برای اهداف

سختی در باب فیلم‌های سیاسی در جشنواره سی‌ام فجر

سینمای سیاسی یا سیاست‌های سینمایی؟



جاسی که باید حقوق زن در نظر گرفته شود - از جمله حق تعیین سرنوشت به نفع خانواده در زمانی که مرد قصد جلدی وطن و خانواده می‌کند بی‌آنکه به اجازه همسر نیاز داشته باشد در حالی که زن جهت گرفتن گذرنامه و خروج از مملکت به اجازه همسر نیاز دارد، یا حق حضانت فرزند در زمانی که مادر از امکانات مادی و رفاهی برتری برخوردار است- مورد اغماض قرار می‌گیرد. این برداشت به نظر‌تان سیاسی‌تر از موضوع هوسرانی یک مرد خانواده‌دار نیست؟! باری، به نظر می‌رسد که سیاسی بودن یک فیلم بیش از آنکه به صدور بیانیه‌ها و پارتین متلک‌های سیاسی که تماشاگران سادولاح را سر ذوق بیارود، مربوط باشد به نگرشی در فیلم بستگی دارد که باید در تاروپود فیلم تنبیه باشد و نه در لایه‌های سطحی آن. امیدوار هستیم که فضای سینمای مابه قدری برای طرح گفتمانی سیاسی گشاده و دست و دل‌پاز شود که جایگاه هنرمند ما اتفاقاً با سیاست فراتر رود نه اینکه انتساب او به جناحی سیاسی جایگاه هنری او را تحت‌الشعاع قرار دهد.

چند حاشیه درباره قلاذه‌های طلا

فیلم بخش‌های مستندی دارد که بر ال‌سی‌دی‌های بزرگ وزارت اطلاعات نشان داده می‌شود. همین صحنه‌های مستند در سالن مطبوعات توست باعث یادآوری آن روزها شد. این فیلم با پشتوانه وزارت ارشاد ساخته شده است. از نظر وزیر ارشاد این فیلم می‌تواند به اندازه صدها کتاب و رساله تأثیر گذار باشد. این تصور که در کشوری زندگی می‌کنید که دیگران می‌توانند هر کاری را در آن انجام دهند، آدم بکشد، تظاهرات و راهپیمایی برگزار کنند، به پایگاه حمله کنند یا اینکه مامور انتظامی یا اطلاعات به راحتی کسی را که مجرم است، آزاد می‌کند و… این نفوذ هم در نیروی انتظامی است که بیشتر باعث به وجود آوردن رعب و وحشت است. اتفاقی که هم‌زمان در زمستان سال ۸۸ نمایش فیلم «به رنگ ارغوان» عکس این احساس را به وجود آورد. در آن فیلم همه چیز تحت کنترل بود و اینجا نه در اینجا ماموران نیروی انتظامی مدام به ماموران این وزارتخانه هشدار می‌دهند اطلاع از کنترل خارج شده ولی آنها گوش نمی‌دهند. این فیلم برخلاف فیلم «به رنگ ارغوان» هرچقدر می‌توانست قدرت و احساس یک مامور را نشان دهد، بیشتر به تخریب کل وزارتخانه و عملکرد آن می‌پردازد. شخصیت مامور را که در نهایت جاسوس از کار درمی‌آید، حمیدرضا پگاه بازی می‌کند که خونسردی یک مامور عالی‌رتبه را درآورده است. از آن طرف امین حیایی به عنوان یک مامور اجرایی اطلاعات پسر از ندانم‌گر است. فیلم مجموعه‌ای از تصاویر مستند است که مرور خطرات شغاهی افکار عمومی و مستندات موجود را در برگرفته است و یاد و خاطره انتخابات ۸۸ را و فضای آن را زنده می‌کند. حاشیه‌های این فیلم همچنان ادامه دارد به خصوص بعد از سخنان طلایی که سعی داشت، با وجود و برشمردن تمام حمایت‌هایی که از او شده است، فیلم را به بدون جهت‌گیری بداند که البته او سعی کرده توهین به طرفین انتخابات در فیلم نباشد و بیشتر اتفاقات بعد از انتخابات ۸۸ را یک پروژه طراحی‌شده از خارج و آدم‌های شکست‌خورده انقلاب می‌داند. حسین قدسی از حامیان این فیلم است که در تشریح سخنی‌ها و تحلیل وضعیت کردن برای ساخت چنین فیلمی مطلبی مفصل با عنوان «قلاذه‌های طلا، جاده‌های بلا» نوشته است. هرچند در حاشیه‌ای دیگر میزان دستمزد ابوالقاسم طالبی رقمی معادل هومیلیرد تومان مطرح شده است. وقتی خبر رسید که این فیلم توقیف است، برخی رسانه‌ها و وبلاک‌ها از ظلم مضاعف به خود و همفکران‌شان گفتند. با این حال وزیر ارشاد با اشاره به اینکه «در این فیلم همه مردم را از صف افرادی که به دنبال تنش و درگیری بوده‌اند جدا کرده است»، در پاسخ به این پرسش خبرنگار فارس که آیا به زودی منتظر پروانه نمایش این فیلم باشیم به گفتن عبارت «ن‌الله» بسنده کرد.

نگاه مینی‌مال به قلاذه‌های طلا

محسن خیمه دوز: قلاذه‌های طلا- ابوالقاسم طالبی-
با حضور تعداد زیادی از ماموران در سالن برج میلاد به نمایش درآمد. در این فیلم عامل اصلی ایجاد جنبش اعتراضی سال ۸۸، یکی از ماموران امای ۶ انگلستان است که در پوشش معاون وزارت اطلاعات شکست می‌خورد! در این فیلم نشان داده می‌شود که تمام کشته‌شدگان جنبش اعتراضی توسط همین جاسوس انگلیسی کشته شده‌اند و شعارهای جنبش اعتراضی هم توسط وابستگان به همین عامل اطلاعاتی طراحی می‌شود. بخش قابل توجه فیلم، بخش مستند راهپیمایی مردم معروف به راهپیمایی سکوت است